



هیچیک از اعضای بدن شما با من برابری نمی کند در صورتی که بزرگتر از یک توپ پینگ پنگ نیستم . در حدود ۱۰ میلیون ارتباط الکترونیکی دارم و می توانم در آن واحد ۱/۵ میلیون ارتباط خبری را دریافت نمایم . بیش از ۸۰ درصد دانش شعاعز من است . شما مرا مانند یک دوربین بسیار کوچک تلویزیونی درک می کنید ، بین اجسام بسیار بزرگ و بسیار ریز فرق می گذارم . (من می توانم جهان بزرگ طبیعت و جهان کوچک طبیعت را ببینم) من بمراتب حساس تر از بزرگترین و پرخرج ترین دوربین تلویزیونی که تاکنون ساخته شده می باشم . من از هر معجزه ای که شما در نظر بگیرید قدرت بیشتری دارم .

جهان امروزی وقت را بر من تنگ کرده است و من برای آن ساخته نشده ام ، برای اینکه اجداد ما قبل تاریخ شما فقط از من بعنوان نگاه کردن به خطرات و گریز از آنها استفاده می کردند تا کشته نشوند و این بازی با من سرنوشت مرگ و زندگی بود . فقط بتازگی بمن گفته اند که تنها حواسم به کار باشد .

باتوجه به تشریح من شما درک خواهید کرد که چه مشکلاتی در تعدیل اشپایی

که از من تقاضا می کنید ببینم ، دارم . اولین قسمت جلویی من قرنیه Gornea است که شفاف می باشد ، کمی کوچکتر از یک عدد یکریالی است من دیدراچنین شروع می کنم که موقئیکه اشعه درمن می تابد مردمک Pupil من راه را برای نور تعدیل و

تنظیم می‌کنم یعنی وقتی که خورشید درخشان را نگاه می‌کنید بسته می‌شود و در تاریکی شب باز می‌گردد و این عمل را بطور اتوماتیک انجام می‌دهد. شگفتی حقیقی من از اینجاست شروع می‌شود که عدسی Lens نازک بیضی شکل من در ماهی شفاف شناور است، عدسی من بوسیله رشته‌هایی (Zonulzinn) در محل خود آویزان است که با کوتاه و بلند شدن این رشته‌ها ضخامت آن کم و زیاد شده و به این وسیله می‌توانم اجسام دور و نزدیک را به وضوح بینم و این کاری بس مشکل و باورنکردنی است.

این موضوع برای اجداد غارنشین شما بسیار عالی بود چون آنها به طور کلی علاقمند به دیدن اشیاء دور بودند و این عمل باعث می‌شد که ماهیچه‌های من همیشه در حال استراحت باشند زیرا که من در موقع دیدن اجسام نزدیک مجبورم اعمال تطابق و تطبیق را انجام دهم. اما حالا شما مثل اجداد خود نیستید و مجبورید مطالعه کنید و کارهای ظریف و دقیق انجام دهید و در اینجاست که کار من بسیار مشکل می‌شود زیرا باید بناچار همیشه عمل تطابق - همگرائی و تنگ کردن مردمک را در آن واحد انجام دهم و این باعث می‌شود که عضلات رشته‌های آویزان من (Ciliary muscle) همیشه در حال انقباض و انبساط باشند و این عمل بسیار خسته کننده است.

در جلو و عقب عدسی من دو اتاقک پر از مایع وجود دارد. مایع جلو عدسی من آبکی شکل (Aque) و ماهیچه پشت عدسی و داخل کره مرا احاطه کرده مثل سفیده تخم مرغ زله‌ای شکل (Vitreous) می‌باشد و وجود همین مایعات است که من شکل خود را بصورت کره‌ای حفظ می‌کنم. این دو مایع آنقدر شفاف هستند که نور به راحتی از آنها عبور می‌کند. اما گاهی ناخودآگاه و بدون هدف و منظور در هوا، موئی را گاهی بشکل فنر می‌بینم که نباید از این اتفاق بترسید و فکر کنید که من معیوب شده‌ام. زیرا از زمانی که شما در شکم مادرتان بوده‌اید چون من به تغذیه احتیاج داشته‌ام و از راه کانالی (Chayaleacana) تغذیه می‌کردم و وقتی که شما بدنیا آمده‌اید من دیگر احتیاجی به آن کانال نداشتم و از راه‌های دیگر (رگ‌های خونی - اشک) تغذیه می‌کنم و این کانال بصورت سلولهای مرده ای که راه خروجی ندارند در مایع شناور بصورت مو یا فنر باقی مانده است.

موقی که شما به جسمی نگاه می‌کنید نوری که از آن بمن می‌تابد از عدسی گذشته و روی نقطه معینی از شبکیه (Retina) جمع می‌شود. شبکیه من از پوست پهاز نازکتر است که $\frac{1}{3}$ قسمت داخلی مرا می‌پوشاند و کمتر از یک اینچ مربع می‌باشد و شامل ۱۲۷ میلیون سلول دریافت کننده نور که ۱۳۰ میلیون آنها سلولهای استوانه‌ای (Roa)

که مخصوص دیدن اشیاء سیاه و سفید و ۷ میلیون دیگر سلولهای مخروطی (Cone) میباشد که از آنها برای دیدن اشیاء رنگی استفاده می‌کنم .



حد اکثر قدرت بینائی من در لکه زرد Fovea میباشد که به اندازه سر سوزن و حساس ترین مرکز بینائی است . اگر کوچکترین ضربه یا خلی به سلولهای مخصوص دید رنگها وارد شود من کور رنگ می‌شوم بطوریکه $\frac{1}{8}$ مردان دنیا رنگها را به درجات مختلف تشخیص نمی‌دهند .

وسیله تمیز کردن و نگهداری من از خطرات بسیار قابل توجه است . زیرا غده اشکی من وقتی جسم خارجی یا گردو خاک وارد من می‌شود مانند چشمه‌ای جاری شده و آنها را شستشو می‌دهد . شما در هر دقیقه حداقل ۳ تا ۶ بار پلک می‌زنید و این خود یک وسیله محافظت از من است و گذشته از اینها پلک زدن قرنیه‌ها را مرطوب نگه داشته و اکسیژن لازم را به آن می‌رساند . و ماده‌ای Tysozyme در اشک من وجود دارد که میکرب کش است و تمام باکتریها را از بین می‌برد ، وقتی که پلکها را رو به هم می‌گذارید فرصت مناسبی برای استراحت من می‌باشد . طبیعت مرا در یک حفره استخوانی محکم قرار داده تا از هرگونه ضربه و مدمه‌ای مصون باشم حتی طبیعت بکنوع حس فوق العاده بمن داده که میتوانم صدای نوساناتی را که می‌بینم درک نمایم . اما مشکلاتی هم برایم وجود دارد و آن اینکه گاهی دستگاه جمع کننده اشعه من ، نمی‌تواند کار خود را به درستی انجام دهد (دوربینی - نزدیک بینی) که عینک میتواند ۹۵٪ این مشکلات را برایم مرتفع سازد و دیگر اینکه امراض ، مسئله بسیار جدی و بفرنجی برای من بوجود می‌آورند که مثلا خیلی اشک ریزش دارم یا اینکه بطور کلی خشک می‌گردم و هر دو برایم مضر می‌باشند . دیگر بیماری آب سیاه است که فشار داخل من زیاد شده و خون به سلولهای عصبی من نمی‌رسد ، همین باعث کوری دائم می‌گردد ، اگر من به این بیماری Glaucoma دچار شوم علائم آن عبارتند از دیدن هاله رنگی در اطراف نو درخشان ، کم شدن میدان دید (در سایه تعادل خود را از دست داده و همه چیز را تاز می‌بینم ، البته اگر زود بفکر معالجه من برآید بکم دارو و قطره یا جراحی ، سلامتی خود را بازخواهم یافت .

آستیگماتیسم ، مشکل دیگر من است و آن بعلت اختلاف سطوح قرنیه ام می‌باشد و تصویر یک نقطه را بصورت یک نقطه نمی‌بینم بلکه مثل یک دایره کسدر

می بینم . این مشکل من نیز ۸۰٪ بکمک عینک رفع می گردد . قرنیه و عدسی مسن از بافت شفاف درست شده اند که گاهی در اثر ضربه یا بیماری و یا بطور مادر زادی عدسی من کدر می شود و دیگر نور به سختی از آن عبور می کند و بیماری آب مروارید **Cataract** را برایم ایجاد می کند و آنوقت است که باید تحت عمل جراحی قرار گیرم و عدسی مرا بیرون بیاورند و جای نگرانی نیست چون میتوانم بکمک عینک یا عدسی داخل چشمی بینائی خود را بازیابم .

من تمام اعمال خود را بخوبی انجام می دهم و اگر در من اشکالی پیش آید هیچ گونه فکری به خود راه ندهید و ناراحت نشوید چون اکثر این اشکالات قابل محالجه خواهند بود . در پایان این بحث توصیه هایی که به شما می کنم در مورد محافظت و سلامت نگه داشتن من بسیار قابل ملاحظه و مفید میباشد . شما می دانید که در نور خورشید اشعه ماوراء بنفش وجود دارد در بالای کوهها این اشعه بمقدار زیادتر و همچنین در روی برف یا آب دریا که اشعه خورشید به آن بتابد اشعه ماوراء بنفش بیشتری منعکس می شود اثرات اشعه ماوراء بنفش در من تا اندازه ای قابل جبران میباشد و مرا دچار (Conjunctivitis) ورم ملتحمه می کنند که آثارش عبارت از سرخی چشم و اشک ریزش و سوزش شدید می باشد پس شما برای اینکه مرا در مقابل اشعه ماوراء بنفش بخواهید مصون نگهدارید ، در مواقعی که به کوه یا اسکی و یادریا می روید باید از عینک های مخصوص استفاده کنید در این عینکها لنزهای مخصوصی (Ray Eay - Photochromic) بکاررفته که وجود املاح نقره در آنها باعث می شود از عبور اشعه ماوراء بنفش جلوگیری بکنند .

اما اشعه دیگری که باید بیشتر از اشعه ماوراء بنفش به آن توجه کرد اشعه مادون قرمز می باشد که مضراتش غیر قابل جبران می باشند چون عدسی من اشعه مادون قرمز را جذب کرده و پس از مدتی که در معرض دید این اشعه قرار گیرم عدسی من کدر شده و دچار مرض **Cataract** آب مروارید خواهم شد که تنها راه محالجه آن عمل جراحی که قبلا ذکر شد میباشد فلاشهای عکاسی چون بطور موقت مقدار کمی اشعه مادون قرمز ایجاد میکنند من برای لحظه کوتاهی دچار کوری موقت می شوم ، اما اگر شما در کوره ها یا نانوایی ها کار میکنید چون مولدهای گرم کننده اشعه مادون قرمز بیشتری پخش می کنند برای اینکه من در مقابل این اشعه محفوظ باشم میتوانم از عینکهای مخصوصی که شیشه های آنها فقط جلو اشعه مادون قرمز را می گیرند استفاده نمائید .

بقیه در صفحه ۶۵

روشنفکر نماها !

خود را از تاریخ فرهنگ غنی و اصیل خود بریده است و نسبت به ذخائر عظیم و تجربیات عمیق فرهنگی، فکری، معنوی و اجتماعی بیگانه شده است مانند درختی شده که ریشه در خاک ندارد و همچون خاشاک بر روی آب، با عمق اجتماع و فرهنگ و سنت رابطه خود را تپچی کرده است .

او نظر به غرب و تمدن غرب دوخته و به عقیده خودش با فرهنگ غرب ارتباط نزدیکتر دارد ولی اگر واقع را بخواهیم بهره اواز فرهنگ و تمدن پرطمطراق غرب ، از چند کلمه زبان و برخی از اصطلاحات علمی و اسم چند نفر دانشمند و پرفسور غربی و اسامی ستارگان سینما و تشریفات ظاهری تجاوز نمی کند .

روشنفکر نماها اسم چند نفر دانشمند غربی را حفظ کرده و بچند اصطلاح علمی وارد هستند و در هر مجمعی که بنشینند با قیافه پرفسور مآبانه ! حرفهای گنده گنده می زنند و بیشتر جملات و اصطلاحات خارجی

کلمه «روشنفکر» مانند برخی از کلمات زنده و سازنده دیگر در زمان ما تعریف شده و معنی واقعی خود را از دست داده است و در یک معنی زشت و نفرت انگیزی استعمال می شود .

«روشنفکر» بمعنی واقعی، زیباترین و پر مسئولیت ترین عنوانها بود ولی اکنون در سیر دگرگونی و انحطاط ، زشت ترین و بی مسئولیت ترین عنوانها شده است به این معنی مترقی ترین و انسانی ترین رسالت به منقط ترین و منفی ترین رسالت تبدیل شده است .

بنابراین «روشنفکر» به معنی جدید را می توان «روشنفکر نما» و یا «روشنفکر مآب» یا روشنفکر مصنوعی و تصنعی توجیه کرد و چون روشنفکران جدید! یک حالت غربزدگی دارند ، آنها را به معنی جدید کلمه غربزده نیز می توان نامید .

« روشنفکر مصنوعی » جامعه ما

رابکار می‌برند و ادا و اطوار غربی‌ها را در می‌آورند و بی‌استه‌سخن از آنها می‌گویند .
 «روشنفکران قالبی» ، اسم ستارگان سینمای اروپا و امریکارا بهتر از خویشان نزدیک میدانند و تاریخ ازدواج و طلاق و هر نوع کثافتکاریهای آنها را دقیقاً میدانند .
 از نظر لباس و مد و طرز آرایش و وقیانه ظاهر ، خود را غربی تمام عیار نشان میدهند و خانه‌هایشان هر روز بیک چیز شبیه است بیک روز شبیه ویلاهای کنار دریا ، بیک روز شکل کاباره و .. و هر گوشه خانه‌شان از مصنوعات غرب پر شده و درودپوارشان از عکسهای سکسی مبتذل پر است !

بدین ترتیب «روشنفکر مصنوعی» و غرب زده مملو فلادار ترین مصرف کنند مفر آورده های غربی است ، او بیهوای غرب زنده است ، او چشم بدهان غرب دوخته است ، هیچ در برابر جامعه اش احساس مسئولیت نمی‌کند و کاری ندارد که در دنیای کوچک خودمانی چه میگذرد !

اگر بیش از دین و ایمان و فضائل انسانی ، عفت و پاکدامنی زنان سخن بماند آید به عنوان اعتراض رویش را برمی‌گردند و همه را خرافات میدانند و کسانی را که بایند دین و دیانت هستند بمرتب جمع بودن و عقب مانده بودن متهم می‌کند .

«روشنفکر نما» هر هری مذهب است به هیچ چیز اعتقاد ندارد نه ایمانی دارد نه مسلکی نه مرامی و نه اعتقاد به خدا و بشریت .
 اوفقاً تامفر استخوان غربی است ، زنان

و دختران روشنفکر نما و متجدد مآبهم مونتاژ زنان هر جانی غربی هستند و حتی روشنفکر نماهای مؤنث ما در بی‌شرمی و بی‌پروائی و خیانت دست زنان غربی را از پشت بسته‌اند .

غرب کارخانه روشنفکر سازی

اکنون عنوان «روشنفکر» خطرناکترین حربهای است که استعمارگران چنانچکار برای درهم کوبیدن تمام ذخائر و اندوخته های معنوی ملل مسلمان به کار می‌برند و جوانان ناآزموده ما را به آداب و سنن و فرهنگ اصیل خود بدین میسازند و غربزد گرائی را در میان آنان تقویت می‌کنند

غرب استعمارگر خوب میدانند که برای رام کردن یک ملت و خوار کردن و بنده و برده کردن افراد پیش از هر کار باید فرهنگش را گرفت و او را از خود بیگانه ساخت زیرا انسان بی فرهنگ ذلیل و نیمه وحشی است تسلط بر چنین انسانی کار بسیار سهل و ساده است .

از این جهت ، غرب نیرویش را متمرکز میکند تا این حصار و دژ محکم و حصن حصین را برگرداند شرق ، فروشکند .

برای اغفال مردم شرق ، تحصیل کرده‌ها را بنامهای : روشنفکری ، آزاداندیشی و اومانیسیم و انترناسیونالیسم و امثال اینها بگونه‌ای سربند می‌نماید ، در نتیجه آسیائی و آفریقائی که به فرهنگ قوی و نیرومند خویش عشق می‌ورزد و پاسدار ارزشهای اصیل خویش است بصورت گله‌ای رام در

می آورد .

یکی از دانشمندان غرب ژان پل سارتر در مقدمه کتاب «مغضوبین زمین» این سررا فاش کرده و طرز تهیه و مورد استعمال روشنفکر سازی غرب را برای شرق نشان داده است اوبصراحتاً می گوید :

«ماعدای از جوانان آفریقائی آسیائی را چند ماهی به آمستردام، پاریس، لندن، بروکسل و ... می آوریم و می گردانیم ، پس از چند روزی لباس اروپائی به آنها می پوشانیم و اصطلاحات اروپائی را به دهانشان میریزیم و بعد از محتویات فرهنگ خودشان ، خالیشان می کنیم ، آنگاه به شکل بلندگوهای پوک و بوجی در می آیند که باید به کشورهایشان باز گردانیم آنوقت ما هر چه میگوئیم بی آنکه معنایش را بفهمند بازمی گویند و آنچه بکنیم در حد ادا در می آورند و چنان می بندارند که خودشانند که دارند می گویند و می کنند. اینها «اسیملیه» و شبه روشنفکر هستند.

وظیفه این شبه روشنفکران این است که پس از تشبیه با اروپائیان به کشورهایشان باز گردند و رسالتی را که بر دوشان نهاده اند، به انجام برسانند اینکه «ژان پل سارتر» می گوید جوانان آسیائی و آفریقائی را چند ماهی در شهرهای اروپا و آمریکا می گردانیم ، کاملاً حساب شده است زیرا : «افراط در تقلید از غرب در میان کسانی بیشتر دیده میشود که مدت اقامتشان در اروپا و آمریکا بسیار کوتاه بوده است و فرصت

رهائی خویش را از زیر بار سلطه ی خیره - کننده و تازه آشنائی مظاهر فریبنده تمدن مادی غرب نیافته اند و نیروی انتقادشان با احاطه کامل به رسائی ها و نارسائی های تمدن غرب بیدار نگشته است .

آزنی رابطه ی «مدت اقامت» و «مقدار تقلید» یا «انتقاد» ناچار در پاره ای از موارد ، چنان آشکار است که می توان آن را بصورت اصلی بیان کرد : «هر چه اقامت در غرب کمتر ، تمایل به تقلید کور کورانه بیشتر ، و انتقاد از آن کمتر و هر چه اقامت بیشتر ، تمایل به تقلید و قدرت انتقاد از غرب بیشتر !»

حالا با چنین روشنفکران تصنی ، یعنی : آنهایی که از روی الگوهای خارجی روشنفکر شده اند ، که با هوای غرب نفس می کشند و با این نسل خود باخته ، پوک و بیگانه نما که جز کالای فکری و اخلاقی و ذوقی وارد شده از غرب را مصرف میکنند ، چه باید کرد ؟!

روشنفکر واقعی چه کسی است؟

اگر بخواهیم بطور کامل و جامع «روشنفکر» را توصیف کنیم باید بگوئیم : «روشنفکر کسی است که جامع فکر میکند ، تفکرش با تعمق همراه است و شخصی است قابل انعطاف . یعنی جمود و تحجر را در فکر خود راه نمی دهد ، روشنفکر کنجکاو است بدون دلیل مطلبی را قبول نمی کند و

بدون دلیل نیز رد نمی‌کند دنبال‌رو دیگران نیست و کور کورانه از اوضاع و احوال موجود تبعیت نمی‌نماید او ترقی‌خواه است به وضع موجود راضی نیست و می‌خواهد خود را هر چه بیشتر در زمینه فکری ترقی دهد.

او معتقد به ارزش‌های انسانی است. اوسعه صدر دارد یعنی فکرش باز است قدرت تحمل آراء مخالف را دارد. روشنفکر وحدت شخصیت دارد آنچه را که می‌گوید از آن آگاه است.

«روشنفکر» کسی است که از وضع انسانی خودش در زمان تاریخی و اجتماعی که در آن زندگی میکند «خود آگاهی» دارد به اصطلاح هم «خود شناس» و هم « زمان

شناس» است با دید وسیع جهان هستی را می‌نگرد و هرگز خود را در محدوده تنگ زمان و مکان و پدیده‌های ناشی از آن محبوس نمی‌کند به این معنی: یک بعدی اندیشیدن و بیک عامل توجه داشتن شیوه روشنفکر نیست.

روشنفکر هم آینده‌نگر و هم واقع بین است و بتنام زمانها: گذشته، حال و آینده یکسان نظر میکند و حساسیت خاصی نسبت به زمان و محیط خود دارد او با سرمایه وسیع گذشته و امید و اعتماد به آینده و با تسلط کامل بر اوضاع حاضر قدم بر میدارد



اصطکاک تمدنها

همان‌طور که از اصطکاک دو سیم مثبت و منفی، برق می‌جهد، و از تلاقی دو هوای مختلف و دو سیستم فشار، باد تولید می‌گردد، به گونه‌ای که اگر درجه هوای خود در همه جا یکسان بود، حرکت و جریانی در هوا رخ نمی‌داد، و سکون و رکود حاکم می‌گشت.

همچنانکه وزش باد، خیر و برکت‌هایی به دنبال می‌آورد، ابرها را حرکت می‌دهد و تخم‌ها را از جایی به جایی می‌برد، تلاقی دو فکر دو گروه مختلف، یا دو ملت نیز تمدن را بارور ساخته و به کاروان تمدن سرعت می‌بخشد، و خیر و برکاتی به دنبال می‌آورد، حرکت‌های بزرگ تاریخ نیز از هجوم اقوام شمالی به جنوبی و بالعکس، و یا شرقی به غربی، و غربی به شرقی به وجود آمده است.

نقش مساجد در دوران

پس از انقلاب

مساجد سنگر است، سنگرها را رها نکنید:

امام خمینی

- (الف کلاسهای تخصصی. ب- جلسات عمومی)
- الف در کلاسهای تخصصی مواد زیر تدریس و امتحان شود
- ۱- اصول عقاید (توحید - نبوت - معاد عدل - امامت)
 - ۲- ترجمه و تفسیر قرآن
 - ۳- نهج البلاغه و حدیث
 - ۴- اخلاق اسلامی حقوق والدین و فرزندان - حقوق متقابل زن و شوهر، حقوق همسایه - حقوق خوبشاندان - حقوق مسلمان بر مسلمان و خلاصه و فشرده مباحث دیگر اخلاق از کتب آموزنده اخلاقی و تربیتی
 - ۵- بررسی مکاتب و ادیان .

مشاهده شده است که در دوران پس از انقلاب بعضی از مساجد کلاسهای هنری و خیاطی و کارهای دستی و آشپزی و دروسی تجدیدی توأم با دروس اسلامی دایر کرده اند بنظر ما در دوران بعد از انقلاب وقت و مکان مسجد اگر صرف تعلیمات اسلامی شود بهتر است. البته منکر آموختن دروس فوق نیستیم ولی تنها پرداختن باینگونه مسائل در تأسیسات مسجد صحیح نیست . بنظر ما مساجد در دو قسمت تخصصی و عمومی باید فعالیت نمایند و در قسمت تخصصی امتحان بعمل آمده و یکسانیکه از عهده امتحان برآمدند گواهی قبولی داده شود .

۶- تربیت فرزندان از نظر اسلام .
۷- سواد آموزی و تعلیم خواندن و نوشتن .

۸- آموزش قرآن (روخوانی و حفظ و تجوید) و پرورش افرادی که جهت گفتن اذان و قرائت قرآن با صوت حسن آهنگ و نیکو آمادگی دارند .

۹- صرف و نحو و مکالمه عربی
۱۰- خلاصه و فشرده ای از مباحث مختلف رساله علمه و مسائل مورد نیاز
۱۱- تاریخ اسلام و مختصری از زندگانی چهارده معصوم .

* * *

ب - برنامه عمومی مساجد : در برنامه های عمومی مساجد تنها به گفته يك نفر اکتفا نشود بلکه گاهی جلسات بصورت میزگرد و مباحثه و گفتگو و بحث و انتقاد و پرسش و پاسخ تشکیل شود زیرا فراوان دیده شده که جوانان در خیابانها گرد هم جمع شده با یکدیگر بحث و گفتگو میکنند چرا این بحث و گفتگو در مساجد متمرکز نباشد؟ دولت جمهوری اسلامی نیز باید در مواقع استخدام کارمند و نیز دادن جواز کسب و نامنویسی برای حج و غیره یکی از شرایط پذیرش را شرکت و امتحان در کلاسهای مساجد قلمداد کند - مثلا فلان کاسب که میخواهد جواز کسب بگیرد لازم است خود او و شاگردانش دانستی هایی درباره کسب و نیز حرام و حلال و مطهرات و نجاسات و .. از دیدگاه اسلام بدانند که اگر مثلا فضله موشی در تفرار خمیر مشاهده

کرده اند تکلیفش چیست و چه باید بکند . البته هر رشته مطالب و احادیث مربوط بآن شغل با شرح مختصر از مطالبی که هر مسلمان لازم است بداند در کلاسهای کوتاه مدت در مساجد آموزش و امتحان شود تا فرهنگ مردم با شرکت در این کلاسها بتدریج بشرف و ترقی نماید و نیز حجاج قبل از حج ، دانستی هایی درباره حج و قرائت و تجوید نماز را در کلاسهای مساجد فرا گرفته و گواهی قبولی برای نامنویسی در سفر حج بگیرند تا در سنین بالا در مکه بشکر تصحیح نماز و نایب گرفتن برای عبادت خدا نیفتند و اگر این طرح عملی شود دیگر لازم نیست مساجد دنبال افراد بدون و باهزار و یک فوت و فن و خواهش و تمنا افراد را بخود جلب نمایند .

بلکه خود افراد طبعاً در جامعه اسلامی جهت استخدام در حکومت اسلام و مسافرت حج و جواز کسب و غیره به مساجد مراجعه کرده و در کلاسها شرکت نموده و برای اخذ گواهی امتحان میدهند و در نتیجه فرهنگ اسلامی بتدریج در افراد رسوخ یافته و آثار انقلاب فرهنگی نمودار میشود : البته برنامه آموزشی این قبیل مساجد باید قبلاً بتصویب مقامات صلاحیت دار رسیده باشد .

رعایت نکات ذیل در مساجد ضروری .

است .

۱- وجود کتابخانه مجهز و بزرگ بدون

تشریفات و قرائت‌خانه و مجلات و روزنامه-
های روز کشور که از ساعت ۸ صبح تا ۱۰
شب باز باشد و آزادی ورود بدون کارت
برای همگان اثرات عظیمی در بیداری افکار
وتوده‌ها خواهد داشت

۲- مساجد باید دارای سالن سخنرانی
زنانه و مردانه و باصندلی و وسایل تهویه
بوده تا در روزهای مخصوص همه مردان
و زنان علاقمند بتوانند در برنامه مساجد
شرکت نمایند .

۳- دفتر مکاتبه در مساجد لازم است
و باید بمسائل و مشکلات جوانان بطور
کتابی هم پاسخ داده شود .

۴- تابلو آگهی و انتشار اخبار جهان
اسلام در مسجد ضروری است .

۵- وجود صندوق انتقاد و پیشنهاد در
مساجد لازم است و روح استبداد يك نفر
نباید در مساجد حکمفرما باشد و شور و
در کارها از دستورات اسلامی است و
باید مساجد الهام بخشی و آغازگر آن
باشد .

۶- در تمام روزها و شبهای ایام سال
مساجد و کلاسهای عمومی و اختصاص آن
باید در فعالیت و مشغول بکار باشند .

۷- مساجد باید تقریباً شبانه‌روزی بوده
و در تمام اوقات سال به روی مردم
باز باشد .

۸- نصب آگهی و پوسترهای تبلیغی و
اخلاقی و بهداشتی با نقاشی‌های مناسب و
عبارات قرآن و نهج البلاغه و حدیث که

شماره مسلسل ۵۵۰

هر چند روز یکبار تمویض شود نقش بسیار
آموزنده و سازنده دارد .

۹- دکه فروش کتابها در کنار مساجد
لازم است .

البته برعهده دولت جمهوری اسلامی
و وزارت ارشاد ملی است که برای پیاده
کردن طرح‌های عمومی و اختصاصی و
تأسیسات لازم بودجه کافی و لازم را در
اختیاره مساجد بگذارد تا گردانندگان مساجد
توانند این برنامه بزرگ و آموزشی را
بخوبی به مرحله عمل درآورند .

دولت باید در اجرای برنامه‌های فوق
کمک گر و راهنما باشد و در ظرف یکسال در
تمام مساجد کشور از ده شهر طرح‌های
فوق‌العاده گردد و در کلیه مساجد کشور يك
روحانی مسئول و متمهد و روشنفکر گمارده
شود و در ده شهر مسجد بدون روحانی
وجود نداشته باشد و مساجدی که کوچک
است و گنجایش پیاده‌شدن طرح‌های فوق
را ندارند فوراً ظرف یکسال بکمک دولت
و وزارت ارشاد و سازمان اوقاف بازسازی
و آماده گردد و مساجد خیلی کوچک پهلو
هم که امکان پیاده شدن طرح‌های فوق را
ندارند و مناسب نیست تبدیل به نمازخانه
معمولی شود امید است با اجرای طرح‌های
پیشنهادی ، انقلاب عظیم فرهنگی از
مساجد آغاز شود و برای اجرای آن فردا
خیلی دیراست از همین امروز دست بکار
شویدنه يك پادو مسجد برای نمونه بلکه
همه مساجد در سراسر کشور در ده شهر ■

شگفتی آفرینش

حشرات

مقاله وارده

پشه مانند هلیکوپتر روی تار عنکبوت می نشیند بدون

اینکه عنکبوت بتواند بفهمد!

* حرکت پشه ، مثل حرکت هلیکوپتر است.

* وقتی پشه در پی قربانی است ، بالهایش بین ۲۵ تا ۶۰۰

بار هم بهم میخورد .

* اگر درجه حرارت ، نوع عرق و میزان رطوبت بدن کسی با

طبع پشه ، سازگار نباشد ، او را نیش نمی زند .

* میلیونها تخم پشه ، ممکن است بدون تغییر در جایی بماند و

در شرایط مناسب ، ناگهان تبدیل به پشه شود .

در تابستان که خوابیدن در فضای باز ، دلچسب است ، پشه این موجود ظریف و

مزاحم که به رغم کوچکیش مثل هیولا می ماند - آسایش را از مردم سلب می کند صدای وز-

وزش همرا به بی خوابی دچار میکند و نیشش موجب خارش و آماس و گاه بیماریهای

عفونی میشود .

در اتاق در بسته هم پشه ، مانند هلیکوپتری کوچک ، دور تا دور سر میگردد و منتظر

فرصت است تا گوشه ای از بدن از زیر بالابوش خارج شود آنگاه عقاب وار فرود می آید و

چون «دراکولایی» خون آشام ، پوزه در پوست فرو میکند و آدم را از جامییراند . در بعضی

مناطق به علت وضع خاص آب و هوا و بهداشتی نبودن محل ، وضع بدتر است و پشه ها گروه

گروه حمله میکنند و آدمهارا به عذاب می آورند .

* * *

کمتر کسی هست که از نیش پشه در امان مانده باشد نیش زدن و خون آشامیدن پشه ها

عمل بسیار ظریفی است پشه به هر ترتیب که شده وارد اتاق خواب شما میشود و پوزه ی

تیزش را بزیر پوستتان فرومیکنند و خون شما را بداخل شکمش میکشد ، اماشاید تابحال نمیدانستید که فقط پشه‌های ماده، نیش‌میزنند و خون می‌آشامند زیرا برای تولیدمثل ، به خون نیازمندند البته همین پشه در هر زمانی که فرصت خون آشامی برایش فراهم باشد، این عمل را انجام نمیدهد از ۲۷۰ نوع پشه‌ای که تاکنون شناخته شده، تعداد ۳۰ نوع آنها، در انگلستان مشاهده شده است برخی از این پشه‌ها، فقط در روشنی روز ، نیش‌میزنند و برخی دیگر در تاریکی شب . بدنش ، بالهای تیزش و پاهای آنتن ماندش که بی‌شبهت به پیکانی زهر آلودنیست ، براحتی میتواند در هر جهتی حرکت کند .

مثل يك هلیکوپتر !

پشه بهنگام پرواز دارای چابکی خاصی است و می‌تواند (مانند هلیکوپتر) در هوا درجا پربزند . بالا بکشد و یاناگهان فرود آید چون «دارت» به سرعت به‌رسوی ، چپ و راست ، بالا و پائین حرکت کند . بنا بگفتهٔ پروفیسور «جی. دی . لیگت» برخی از پشه‌ها میتوانند ، در باران و تگرگ پرواز کنند و بی‌آن که خیس شوند، به‌مقصد برسند .

وقتی پشه در پی قربانی خویش است، بالهایش بین ۲۵۰ تا ۶۰۰ بار در ثانیه بهم می‌خورد (تعداد بهم خوردن بالها، بستگی به نوع پشه دارد) پشه، این حرکت سریع بالها را نه تنها با همان ماهیچه‌های عادی بال خود بلکه با ماهیچه‌های اضافی، که مخصوص حرکت است ممکن می‌سازد تا زمانی که کلید خاموش شدن ماهیچه‌های اضافی را زده است ماهیچه بطور اتوماتیک و خود کار با سرعت غیر قابل تصویری در حال انقباض و انبساط است .

از آنجا که پشه‌ای که در شب ، قربانی میگیرد قادر نیست در تاریکی ، قربانی خود را ببیند ، ناگزیر از حساسیت دوشاخك و سه جفت پایش، بهره‌مند می‌شود . او قادر است از کربن دواکسیدی که از تنفس شما ایجاد میشود، بوی شما را بگیرد و با حرکتی مارپیچ ، به سوی شما فرود آید ، حال ممکن است در چند سانتیمتری شما، بر اثر وزوز کردنش ، شما را از خواب بیدار کند

این صدای وزوز آزار دهنده ، نتیجه بهم خوردن سریع بالهای پشه است وقتی پشه در اطراف شما پرواز میکند ، همان شاخکها و پاهای حساسش که از فاصله نزدیک قادر به احساس کردن است ، میزان رطوبت درجه حرارت و نوع عرق بدن شما را تشخیص میدهد و آنگاه در می‌یابد که خون شما ، مناسب طبع لطیفش هست یا خیر . در این بازرسی که پشه از نزدیک به عمل می‌آورد ، ممکن است از شما خوشش نیاید و به‌سادگی ، شخص دیگری را که در همان اتاق خوابیده ترجیح دهد این انتخاب ، بستگی به ترشحات و اکش‌های شیمیائی بدن دابد .

تشریح سلاح پشه

فرض کنیم که پشه، بدن شما را مطلوب طبع تشخیص داد و به آرامی بر روی گوشت شما نشست. به احتمال زیاد، احساس نخواهید کرد که پشه روی گوشت شماست زیرا بدنش بقدری ظریف و سبک است که میتواند روی تار عنکبوت بنشیند و عنکبوت از وجودش آگاه نشود، آنگاه نوبت فرو کردن پوزه اش در پوست شماست .

پوزه‌ی پشه درست از زیر چشمهایش شروع میشود . پشه دارای یک پوزه نیست بلکه دارای شش عدد است یا لااقل میتوان گفت که پوزه اش از شش قسمت تشکیل شده است همه نازکتر از موی. دولوله موئی که برای غذا و ترشح بزاق است، لب باینی خوانده میشوند و دو بخش دیگر مانند چاقوی دندان داری است بر روی پوزه پوشش غلاف مانندی است همه‌ی این شش قسمت را در خود جای میدهد باین سلاح ، پشه برای کارزار آماده میشود و در یک لحظه هر شش قسمت پوزه را در پوست بدن شما فرو میکند و به راحتی یک مویرک کوچک بدن شما را پیدامیکند و در چند ثانیه مانند تلمبه، خون از بدن شما میکشد و شکم خود را پرمیکند غالباً تازمانی که پشه بر روی قربانی خود نشسته ، قربانی از وجود او خبر ندارد .

درست قبل از آن که پشه شروع به تلمبه زدن خون کند بزاقش ترشح می کند و در مجرای لوله غذایی میریزد و این بزاق وارد مویرک قربانی شده ، مانع از انعقاد خون در نیمه راه پوزه پشه میشود پشه بالوله بالای پوزه خود مانند پمپ ، خون را میکشد و ۱۵ تا ۲۰ حرکت پمپ، کافی است تا شکم کوچک پشه را از یک قطره خون پر کند .

متأسفانه باقی مانده بزاق در زیر پوست ، ایجاد خارش می کند که آزار دهنده و سوزش آور است. پس از آن که پشه از خون سیراب شد ، مانند هواپیمایی که زیادی بار زده است ، به گوشه ای میخزد و قربانی بی جهت و بی حاصل ، نقطه‌ی گزیده شده را ضربه میزند یا میخازاند حال پشه در جستجوی آرامش است. از خون قربانی سنگین شده است در گوشه ای از دیوار فرود می آید و در کمال آرامش ، خونها را تبدیل به صدها تخم پشه میکند. (تلخیص از خواندنیها شماره ۵۰ سال ۳۸ نقل از رید رزدا بیجست)

پیشوایان بزرگ میفرمایند

یک فرد با ایمان سختتر و پایدارتر از کوه است زیرا کوه به تدریج رو

به نقصان گذارد و کم می شود ولی هرگز از ایمان فرد مؤمن ذره ای کاسته نمی شود .

نکات حیرت انگیز از زندگی گیاهان

گوشمای از یک کتاب علمی در زمینه زندگی شگفت انگیز گیاهان

نکاتی که در اینجا عنوان می شود ، ممکن است بنظر بسیار عجیب و باور نکردنی بیايد ولی درست است .
گیاهان می خندند ، گریه می کنند ، به همسایه آب قرض می دهند ، فکر می کنند ، ممکن است با شما دوست یا دشمن باشند!

دانشمندان قادر خواهند بود که جزئیاتی چون میزان نیاز گیاه به آب و زمان این احتیاج ، احساس گیاه به تشنگی و گرسنگی ، به سرما و گرما و نظایر آن آگاهی یابند .
علاوه بر شناسائی و تمییز دوست از دشمن گیاه قادر است موقعیت نبات دیگر را که در جوار آنست درک کند حتی در مواقع ضرورت و احتیاج آب مورد نیاز گیاه مجاور را نیز از سهمیه آب خود تامین نماید .
اینکه روسها در این خیالند که از منبع حرارتی خورشید برای تامین انرژی مورد

" جلوی چشم خود من جوانه های جو وقتی که ریشه شان در آب داغ قرار میگرفت با صدای بلند گریه می کردند " این صدا را دستگاه ثبت صوت بما نشان میداد .
" در گلخانه ها و محیط های مصنوعی کشت ، حتی گیاهان قادر خواهند بود که به میل خود و بر حسب نیازشان چراغها را خاموش و روشن کنند .
بنا به درجه حرارت اندامهای مختلف گیاه ، اعم از ساقه ، برگ و ریشه ، شدت تعریق سرعت رشد نبات و مشخصات پرتو افکنی آنها

نیاز استفاده کنند و آنرا جانشین منابع سوختی (زغال سنگ ، نفت ، و گاز طبیعی) نمایند و ایستگی تمامی به حیات گیاهی دارد .

اشک جوانه‌های جو !

آزمایشها و تجارب حالی در زمینه زندگی شگفت گیاهان در روسیه شوروی انجام گرفته که در نوع خود بسیار مهم و قابل توجه است . میلیونها نفر از راه رسانه‌های گروهی شوروی به این نکته که گیاهان قادرند احساساتشان را به انسانها نشان داده و آنها را از گذران زندگیشان آگاه سازند ، معتقد شده‌اند . برای نخستین بار بود که در اکتبر ۱۹۷۵ پرودا مقاله‌ای زیر عنوان " زبان حال برگها و چگونگی سخن گفتن گیاهان " منتشر کرد که بسیار مورد توجه قرار گرفت . این روزنامه نوشت :

ظاهرا چنین بنظر میرسد که گیاهان هرگونه رنج و ناراحتی را تحمل می‌نمایند . آیا واقعا اینطور است ؟

گزارشگر روزنامه با الهام از آنچه در آزمایشگاه پژوهشی علوم کشاورزی مسکو دیده بود در گزارش خود چنین آورده بود : جلوی چشم خود من ، جوانه‌های جو ، وقتی که ریشه‌شان در آب داغ قرار می‌گرفت با صدای بلند گریه می‌کردند ، باور کنید این واقعه‌ای است این صدارا . دستگاه شات صوت که یک دستگاه بسیار حساس و

الکترونیکی بود ، بمانشان می‌داد در روی نوار ثبت شده حتی اثرهای آن مشهود بود که بازگوکننده‌ی ناراحتی گیاه همراه با اشک بود در همین گزارش پروفیسور گونار

(Gounar) رئیس دپارتمان فیزیولوژی

گیاهی دانشگاه مسکو صدها تجربه و مشاهده آورده بود که همگی حکایت از وجود تحریک الکتریکی در گیاه داشت درست همانند آنچه که در انسانها نبض خوانده می‌شود . نامبرده در تحقیقاتش از گیاهان بسان انسانها یاد می‌کند که با خصوصیات ، عادات و تمایل‌های بسیار شبیه و همانند ، او بوضوح نشان داد ، چگونه با گیاهان صحبت می‌کند . در ادامه‌ی آزمایشها برای بررسی اثر نور و روشنایی در زندگی نباتات این نتیجه بدست آمد که در تاریکی و در شب ، گیاه استراحت می‌کند و به نوعی خواب فرو میرود در گلخانه‌ها و در محیط‌های مصنوعی کشت حتی این امید میرود که گیاهان قادر هستند که به میل و خواسته‌ی خود چراغ‌ها را خاموش و روشن کنند . در آزمایش دیگری که برای اثبات وجود خاطره و حافظه در گیاه انجام شد این حقیقت تاهید گردید . ریشه‌های نخود را نخست در آب سرد فرو برده و پس از چند لحظه آنها را در آورده در آب گرم داخل می‌کردند اما دستگاه‌های ثبت این تغییر را بلافاصله نشان نداد بدان خاطر که گیاه هنوز متأثر محیط اول بود با این آزمایش وجود حافظه در زندگی گیاهی بخوبی نشان داده شد .

با ادامه این تحقیقات و تجربیات "گونار" اظهار امیدواری می‌کند که همراه با روشن شدن حقایق بیشتری در زندگی گیاهان بتوان بسوی درجه گسترده تری از موفقیت در زنتیک گیاهی و یافتن واریته‌های مقاوم دست یافت با این پیش‌آگاهی که مثلا یک گیاه ویژه در مقام سنجش بادگیری بحرارت سرما و دیگر پدیده‌های طبیعی مقاوم تر است و آن دیگری حساس تر. و از این راه دریافتن گونه‌های مختلف گیاهی که با اقلیم‌های گوناگون سازش دارند توفیقی بدست آورد برای بنیان ارتباط بین نسوج مختلف گیاهی نیز از عنوان‌های مورد بررسی وی بوده است.

تأثیر عوامل محیطی چون آفتاب باد، ابر، تاریکی شب و زخمهای ناشی از عوامل مختلف در گیاه در شمار عنوان‌هایی هستند که نیاز به بررسی‌های بیشتر و عمیقتر دارند برای اخذ نتایج مطلوب از این بررسیها اثر مواد شیمیائی در تحریک و یا کند کردن واکنش گیاه قابل ملاحظه است. حتی عوامل مکانیکی و فیزیکی هم در تعیین پاره ای واقعیتها دخالت بموقعی دارند.

آیا گیاهان چیزی شبیه به (قلب) دارند؟

در شمار حقایق جالب توجه اثبات وجود اندامی شبیه قلب در گیاه قابل ذکر است در این جا نبات علائم مختلف در یافت و در

برابر، عکس العمل مربوط را از طریق مجاری بخصوص بخارج میفرستد این مرکز جایی غیر از نسوج ریشه گیاه نمی‌تواند داشته باشد که انقباض و انبساطی دارد و درست شبیه قلب انسان است. تجارب حتی نشان داده است که نباتات ریتم زندگی محدود و معینی دارند هرگاه دوره‌های ضروری برای ادامه زندگی موجود از قبیل استراحت و آرامش و مانند آن دچار وقفه و یا رکود شود زندگی نباتات هم پایان می‌یابد و مرگش فرامی‌رسد.

انستتوی فیزیک کشاورزی که حدود ۴۰ سال پیش در شوروی تاسیس شد بنیان پژوهش‌های خود را بر کشاورزی و پدیده‌های جالب این دانش استوار می‌داند به کمک دستگاههای بسیار پیچیده و حساسی که در این موسسه وجود دارد و با ثبت درجه گرمای اندامهای مختلف گیاه اعم از ساقه و برگ و ریشه، شدت تعریق سرعت رشد نباتات و مشخصات پرتو افکنی آنها، دانشمندان قادر خواهند بود که به جزئیاتی چون میزان نیاز گیاه به آب و زمان، احساس گیاه به تشنگی و گرسنگی به سرما و گرما و نظایر آن پی ببرند.

در گزارشی در روزنامه ایزوستیا آمده بود که (کارامانوف) دانشمند روسی نشان داده که یک بوته لوبیا نیاز خود را به نور با دادن علامت خاصی به آگاهی می‌رساند این علامت عبارت است از بیرون دادن بکبرشته از قسمت اندامهای هوائی نبات که می‌توان آنرا به دست مانند کرد. آنگاه که گیاه به آب احتیاج

داشته باشد همین علامت را با بیرون دادن رشته‌ی دیگری که می‌توان آنرا به پا شبیه دانست، در ناحیه‌ی اندامهای پائین به‌ظهور می‌رساند و برای اینکه نشان بدهد که واقعا از یک شعوری هم برخوردار است آب مورد نیاز خود را دفعتا واحده نمی‌بلعد بلکه خود را با دستگاه تنظیم‌کننده‌ی مربوط، طوری تطبیق میدهد که در هر ساعت فقط دو دقیقه مایحتاج آبی خود را جذب نماید و بس.

گیاه دوست و دشمن خود را می‌شناسد!

در پاسخ به این پرسش که آیا این اطلاعات و کشفیات جدید است و چه قدمتی دارند (کارامانوف) می‌افزاید اگر بی‌اطلاعی بشر را در این مورد کنار بگذاریم قدمت این حقایق درست همانند عمر جهان است اگر گیاه احساسی نداشت و فاقد اندامها و اعضای حواس بود حواسی که گیرنده و منتقل‌کننده‌ی اطلاعات از خارج و به خارج باشد بطور حتم و چاره‌ناپذیر نبوده بود.

پاسخ این سؤال که آیا گیاه این احساس و تمیز را دارد که بین انسانی که به آن خدمت می‌کند و شخصی که او را می‌آزارد تشخیص بدهد از نظر کارامانوف مثبت است اما اطلاعات و حقایق نادانسته زیاد است امید است روزی علم از اسرار آنها بهره برداشته و آشکار شود تا انسان از ارتسباط با جهان گیاهان مطلع گردد.

(کارامانوف) همچنین اضافه میکند که بکمک این اطلاعات نه تنها حقایقی در زندگی مرموز گیاه برای انسان آشکار می‌شود بلکه غیر مستقیم کمکی بنفع زندگی خود نبات خواهد بود بمدد دستگاه‌های مختلف الکتریکی خود گیاه برای ما روشن خواهد کرد که در چه شرایط اقلیمی و تحت چه رژیم غذایی رشد بهتر و بیشتری داشته و محصول فراوانتری میدهد.

در خاتمه این بررسیها سوای صحبت با گیاهان و درک احساسات آنها امید به توفیق‌های بیشتری در مسیر کنترل زندگی نباتات و هموار کردن مشکلات زندگی آنها میرود، شک نیست که در مسیر این راه جالب و البته مشکل‌انجوهی از مسائل و اطلاعات خواهد بود که مسلما ما را از حقایق جدیدتری آگاه خواهند ساخت.

در زمینه واکنش نبات در برابر مواد معدنی دانشمندان روسی آزمایشی درست همانند آزمایش (پاولف) در مورد سگوانعکاس شرطی حیوان در برابر ماده غذایی انجام داده‌اند.

آنها با قرار دادن سنگ معدنی در کنار گیاه و تحریک آن بکمک شوک الکتریکی به گیاه فهماندند که یک ماده غذایی در دسترس آن است، پس از چند مرتبه تکرار این آزمایش در دفعات بعد وقتی که سنگ معدنی را کنار گیاه می‌گذاشتند درست همان عکس‌العکس را نشان می‌داد بدون اینکه

بررسیهای زمین شناسی بکمک عکس العملهای گیاهی باشد. وحتى بکمک گیاهان و با آگاهی به نیازهای ویژه هر گیاه می توان از منابع و ذخایر غذایی خاکهای مختلف آگاه شد.
(تلخیص از مجله دانشمند)

شوکی به آن وارد شود. شکفت اینکسه با گذاردن سنگ دیگری که ماری از مواد معدنی بود در کنار گیاه اصلا عکس العملی مشاهده نمی گردید.
دانشمندان براین عقیده اند که این کشف بزرگ زمانی می تواند بنیانی برای

پتیه از صفحه ۵۰

شیشه های مخصوص (Inferabdy-Therminon) اگر شما در جنگل یا هوای مه آلود کار میکنید برای اینکه من قدرت دید بهتری داشته باشم می توانید از مینکپائی استفاده کنید که دارای شیشه های زرد رنگی (Hazemaster) می باشند و خاصیت این شیشه ها این است که مه شکن می باشند و رویت را بهتر می کنند.^۱

۱- در تهیه این مقاله از منابع زیر استفاده شده است
مجله ماهانه Reader, S digest
کتاب Gray Anatomy
کتاب Optics

علی (ع) فرمود :

((الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَأَنَّ لَدَاخِلٍ فِيهِ مَعَهُمْ وَعَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلٍ إِشْطَانٍ : اِنَّهُمُ السَّعْمَلِ بِهِ وَاِنَّهُمْ الرَّضَا بِهِ .

کسی که راضی به عمل قومی باشد، از همانها محسوب می شود (و در پاداش با مجازات آنها سهم است) انجام دهندگان کارهای باطل و بدذوق گناه دارند، گناه ارتکاب عمل زشت و باطل و گناه رضایت به آن.

- نهج البلاغه فیض، کلمات قصار شماره ۱۴۶
صفحه ۱۱۶۲

